



مقایسه سبک های فرزند پروری و تاکتیک های تعارض زناشویی بر اساس ترتیب تولد زوج

زلیخا جوادی ساریخان بگلو^۱، علیرضا بوستانی پور^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین تفاوت سبک های فرزند پروری و تاکتیک های تعارض زناشویی بر اساس ترتیب تولد زوج بود. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع پس رویدادی یا علی- مقایسه ای است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی شهر تهران می باشد که حداقل دو سال از مدت ازدواج آنها سپری شده باشد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران می باشد که به صورت در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶) و پرسشنامه تاکتیک های حل تعارض استراوس و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. از روش تحلیل واریانس جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. نتایج نشان داد، که بین سبک های فرزند پروری مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که بین تاکتیک حمله و مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در آخر نتایج نشان داد، که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. اما بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود داشت.

کلید واژه ها: سبک های فرزند پروری، تاکتیک های تعارض زناشویی، ترتیب تولد.

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (javadi.f60@gmail.com)

^۲ استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، ایران (نویسنده مسئول)



مقدمه

ترتیب تولد عامل اجتماعی تأثیر گذاری در کودکی است، عاملی که سبک زندگی خود را از آن به وجود می آوریم. با این که خواهر برادرها والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می کنند ولی محیط های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگتر یا کوچکتر بودن از خواهر برادرها و قرار گرفتن در معرض نگرش های متفاوت والدین، شرایط کودکی متفاوتی را به بار می آورند که به تعیین شخصیت کمک می کنند (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵، ترجمه سید محمدی، ۱۴۰۰). آیا موقعیت شخص در میان برادران و خواهرانش یک اثر ماندگار در زندگی او دارد؟ این سوالی است که ذهن جامعه علمی و عموم مردم را بیش از صد سال به خود مشغول کرده است (راهر و همکاران، ۲۰۱۵). بی شک، آدلر یکی از اولین نظریه پردازان در حوزه روانشناسی شخصیت است که در مطالعاتش به اثرات مفهوم ترتیب تولد پی برد و معتقد است که ترتیب تولد فرزندان با تأثیر اجتماعی بسیار مهم در دوران کودکی، نقش بنیادی در سبک زندگی افراد ایفا می کند به عبارت دیگر آدلر معتقد است که با وجود اینکه خواهر و برادر، والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می کنند؛ اما محیط های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگتر یا کوچکتر بودن از خواهر و برادر دیگر و قرار گرفتن در معرض پسخوراند های متفاوت والدین، شرایط کودکی متفاوتی را به وجود می آورد که به تشکیل شخصیت فرد، کمک می کند (آنیانو و همکاران، ۲۰۱۸). ترتیب تولد یک موضوع پیچیده در روانشناسی است که بسیاری از محققان برای مشخص کردن خصوصیات ویژه شخصیت بر اساس ترتیب تولد تلاش زیادی کرده اند اما هنوز به توافق جامع و روشنی در این زمینه نرسیده اند. وجود اثرات ترتیب تولد در نوع خودش جالب است و ممکن است کاربردهای عملی نیز داشته باشد. آدلر عنوان کرده است که ترتیب تولد تأثیر ثابتی بر شیوه زندگی (نحوه برخورد همیشگی یک فرد با تکالیف زندگی از جمله دوستی، شغل و عشق) دارد. آدلر برای ترتیب تولد ۵ جایگاه روانشناختی را مشخص کرده است؛ فرزند اول، فرزند دوم از فقط دو فرزند در خانواده، فرزند میانی، فرزند آخر، تک فرزند. این محقق بیان می کند که فرزند اول با به دنیا آمدن فرزندان بعدی جایگاه مطلوب خود را در خانواده از دست می دهد و لذا مجبور می شود برای حق خود بجنگد. او این وضعیت را به بیرون از خانواده نیز تعمیم می دهد و در بزرگسالی شخصیتی محافظه کار و مخالف تغییرات پیدا می کند و همیشه تصور می کند که دیگران علیه او قیام خواهند کرد. برخی از نظریه پردازان معتقدند که جایگاه کودک در خانه تأثیر بسیاری بر

1. Rohrer Egloff & Schmukle

2 Birth order

3 Sibling

4 Anyanwu



خصوصیات شخصیتی فرد دارد که مستقیماً بر رفتار آن ها، داخل و خارج از خانه تأثیر می گذارد (رابین^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ به نقل از نعیم و همکاران، ۱۳۹۷).

از نظر آدلر فرزندان اول در خانواده حس ریاست و اخلاق مدیرآمرانه ای دارند و افرادی وظیفه شناس، مسئول، هدفمند و طرفدار هنجار ها هستند. فرزندان میانی بیشتر پیرو و آرام هستند و در برابر مشکلات مقاومت خوبی از خود نشان می دهند و فرزندان آخر تمایل بیشتری به دلسوزی دارند، محبوب تر بوده و نسبت به خواهر و برادر های بزرگتر انعطاف پذیری بیشتری دارند و بیشتر به دنبال حل مشکلات هستند. تک فرزندان همیشه جایگاه بالاتر و برتری را که در خانواده دارند، از دست نمی دهند و همیشه کانون توجه باقی می ماند و دارای نیاز بالا به کسب موفقیت، کمالگرایی، اعتماد به نفس، منطقی و عالمانه رفتار کردن، استقلال و احساس تدافعی هستند. ترتیب تولد افراد با نحوه شکل گیری عزت نفس و دیگر ویژگی های روانشناختی انسان ها می تواند رابطه معناداری داشته باشد (سهبانی و سهبانی، ۱۴۰۰). همانگونه که نتایج پژوهش دریای لعل و همکاران (۱۳۹۸)، نشان می دهد که زنان مبتلا به اختلال و سواس بیشتر فرزند سوم و مردان فرزند اول هستند. از سویی امتیاز تاب آوری و مهارت های اجتماعی در میان فرزندان آخر و پس از آن فرزندان اول، میانی و تک فرزندان است. همچنین کمترین نمره شادی در میان فرزندان میانی وجود دارد (زورور و همکاران، ۲۰۲۱).

ترتیب تولد احتمالاً بر شیوه های فرزند پروری نیز مؤثر است. منظور از شیوه های فرزند پروری «روش های تربیتی است که والدین در تربیت فرزندان خود رعایت می کنند» السیابی^۳ و همکاران (۲۰۲۱). سبک های فرزند پروری به عنوان راهبرد هایی تعریف می شوند که به طور منظم توسط والدین هنگام بزرگ کردن فرزندان خود استفاده می شوند (سروتی و همکاران، ۲۰۱۷). سبک اصلی فرزند پروری ناشی از ترکیبی از پذیرا بودن و پاسخگویی والدین است و در عین حال خواسته های یک کودک در حال رشد را نیز بر سی می کند. سبک های فرزند پروری مقتدرانه منجر به بهترین نتایج، هم از نظر سلامت روانی و هم از نظر رفتار، برای فرزندان می شود. این سبک شامل درخواست از کودک و همچنین نشان دادن گرمی در ارتباط با کودک است. در حالی که یک والدین مستبد از فرزند خود مطالباتی را مطرح می کنند، که فاقد صمیمیت است. والدین سهل گیر دارای مولفه صمیمیت هستند، اما از کودک خواسته ای ندارند. سبک های فرزند پروری ارتباط مستقیمی با نوع ارتباط والدین با فرزندان خود دارند. هنگامی که به ترتیب تولد نگاه می کنیم، فرزندان اول به طور قابل توجهی نمرات بالاتری در درک استقلال نسبت به فرزندان بعدی داشتند (وان والکوم^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). فرزند پروری به عنوان سبک تربیت فرزند به مسئولیت مادر و پدر، با هم یا به طور مستقل برای آماده کردن کودک برای جامعه و فرهنگ اشاره دارد که فرصت کافی برای کودک فراهم می کند تا ریشه، تداوم و احساس تعلق پیدا کند.

¹ Rubin

² Zour

³ Alsyabi

⁴ Sruthy

⁵ Van Volkom



همچنین به عنوان عامل مؤثر اجتماعی شدن عمل می کند. اگرچه فرزندپروری به عنوان برداشتی که والدین از نگرش خود نسبت به کودک دارند، در پویایی رفتار برای تحقیقات روانشناختی اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. تجربیات فردی نه تنها به ایجاد حس هویت و خود آرمانی کمک می کند، بلکه ممکن است او را به درک، تفکر و عمل به شیوه ای خود راهبر سوق دهد (تایگی^۱ و همکاران ۲۰۱۷).

روابط والدین با کودک ابعاد مختلفی دارد و فقط شامل تغییرات یکنواخت نمی شود (دولتی، ۱۳۹۰). سبک های فرزند پروری یکی از مهم ترین و شایع ترین روش هایی که می توان به وسیله آن تأثیرات والدین را بر روند رشد و تحول انسان بررسی نمود (عبدالغفور و همکاران، ۲۰۱۴). سبک های فرزند پروری «ترکیب هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت های گسترده ای روی می دهد و جو فرزند پروری پایداری را به وجود می آورد» (برک، ۱۴۰۰). بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می سازد که روش مؤثر را از روش های نه چندان مؤثر فرزند پروری جدا می سازد. این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل و استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه شیوه فرزند پروری مشخص می شود: مقتدر، مستبد، سهل گیر. شیوه مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش های کنترل سازگانه و استقلال دادن مناسب مشخص می شود، شیوه مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک، پایین؛ از نظر کنترل اجباری، بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با شیوه فرزند پروری آسان گیران روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر فرزندان خود اعمال می کنند (دیاز، ۲۰۰۵). شواهد پژوهشی حاکی از این است که ترتیب تولد فرزندان می تواند نحوه برخورد پدر و مادر با آنان را تحت تأثیر قرار دهد. به طور مثال در پژوهش السیابی و همکاران (۲۰۲۱)، اثر متقابلی بین تعداد اعضای خانواده و ترتیب تولد در سبک فرزندپروری پدر مستبدانه مشاهده شد. از طرفی مطالعه وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، نشان داد ترتیب تولد بر هیچ یک از جنبه های تربیتی خواهر و برادر تأثیر معنی داری نداشت، اما تفاوت هایی در وظیفه شناسی و روان رنجوری نشان داد. همچنین نتایج پژوهش ترسیا و همکاران (۲۰۱۸)، نشان داد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه با ترتیب تولد، بعد خانواده و همچنین جنسیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷)، حاکی از آن است که شخصیت نوجوانان به ترتیب تولد ارتباطی سبک فرزندپروری والدین ندارد. مطالعه نیلوفر^۹ (۲۰۱۶) نشان داد، ترتیب تولد فرزندان با سبک های فرزند پروری مادر رابطه دارد بدین صورت که فرزندان آخر مادر خود را کنترل کننده می دانستند، اما سبک فرزند پروری

1 Tyagi

2. Abdul Gafor & Kurukkan

3. Burke

4. authoritative

5. authoritarian

6. permissive

7. Diaz

8 Theresya

9. Nilüfer



پدران با ترتیب تولد فرزندان رابطه نداشت. مطالعه‌ی هالرز-هالبووم (۲۰۱۴) نیز نشان داد، مادران حساسیت و وابستگی بیشتری نسبت به فرزند اول خود در مقایسه با فرزندان دیگر نشان می‌دهند. مطالعه کلر و ژاک (۲۰۰۲) نشان داد که مادران تمایل به صرف وقت بیشتری با فرزندان اول خود دارند. پدران نیز تمایل به صرف وقت بیشتری با فرزندان اول خود دارند، به خصوص اگر آن فرزند پسر باشد. مطالعه سومایا و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد، ترتیب تولد والدین بر شیوه‌های فرزندپروری آنها تاثیر دارد. بدین صورت که ۷۳۰ داوطلب ژاپنی که دارای یک خواهر و یک برادر بودند به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. فرزندان پسر بزرگتر به شدت تمایل داشتند در فرزندپرورش از الگوهای طرد کننده استفاده کنند؛ در حالی که فرزندان دختر بزرگتر در فرزندپرورش از الگوهای حمایتی و گرم استفاده می‌کردند. مطالعه اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) نشان داد، تفاوت ترتیب تولد فرزندان در پیشرفت تحصیلی و درک از شیوه‌های فرزند پروری نوجوانان تاثیر داشت.

از دیگر متغیرهایی که می‌تواند تحت تاثیر نقش ترتیب تولد قرار بگیرد، تاکتیک‌های تعارض زناشویی است. تعارض زناشویی، نوعی عدم توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که توسط یکی از آن‌ها گزارش می‌شود و ویژگی ارتباطی این گونه زوج‌ها عیب جوئی و سرزنش دائمی، ذهن خوانی و حملات تدافعی، هیجانات منفی زیاد و هیجان مثبت اندک است (دنبار و ماچین، ۲۰۱۴). تعارض جزء گریزناپذیر روابط انسانی است و هر چه روابط صمیمانه‌تر باشد، تعارض بیشتری محصول آن است؛ اما اکثر زوج‌ها از تعارض و هیجانات منفی همراه با آن خشم، رنجش، حسادت، دلخوری، آزار، تنفر و انزجار می‌ترسند و مشکلاتی در یادگیری چگونگی مقابله با آن دارند. یک روش رایج برای مقابله با این هیجانات، فرو نشانی آن‌ها با این آرزوست که خودشان در طول زمان ناپدید می‌شوند (گلسر، ۲۰۰۰، ترجمه از صاحبی، ۱۴۰۰). کلوته و همکاران (۲۰۰۷) یک مفهوم سازی چند بعدی از خشونت و تاکتیک‌های حل تعارض در زوج‌ها، ارائه داده‌اند که از تاکتیک‌های منفعلانه همچون بحث و گفتگوی آرام تا حملات فیزیکی خشن در نوسان است. این مفهوم سازی مشتمل بر پنج بعد می‌باشد: مقیاس مذاکره اقداماتی را در برمی‌گیرد که نشان دهنده تلاش برای بحث یا روش‌های حل تعارض به شیوه مسالمت آمیز و غیر خشونت بار است. این مقیاس شامل آیت‌های مذاکره شناختی (نشان دهنده تلاش‌ها برای فرو نشاندن اختلاف) و هیجانی (نشان دهنده آهنگ هیجانی مثبت در بحث) می‌باشد. بعد پرخاشگری روان‌شناختی آیت‌هایی را در برمی‌گیرد که نشان دهنده اقدامات آسیب‌زای کلامی و هیجانی در برابر همسر است. مقیاس حمله فیزیکی به استفاده از خشونت فیزیکی برای مدیریت تعارض‌ها اشاره دارد. مقیاس اجبار جنسی آیت‌هایی را شامل می‌شود که نشان دهنده اجبار جسمی و روانی همسر برای داشتن فعالیت جنسی ناخواسته است و در نهایت مقیاس صدمه میزان درد، آسیب بافت یا استخوان و نیاز به مراقبت پزشکی به عنوان پیامدی از اعمال خشونت بار (اجبار جنسی

1. Hallers-Haalboom

2. Keller

3. Zach

4. Dunbar & Machin

5. Calvete, Corral & Estévez

6. Estévez



یا حمله جسمی) را مورد اندازه گیری قرار می دهد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). شواهد پژوهشی پیشین از جمله: مطالعه بریشا^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، نشان داد فرزندان اول در تصمیم گیری منطقی هستند و حل مشکل را در حل تعارض ترجیح می دهند. متولدین میانی تصمیم گیرندگان شهودی هستند و از سازش در مدیریت تعارض استفاده می کنند. فرزندان آخر به طور منطقی تصمیم می گیرند و در موقعیت های متضاد هم از سازش و هم از حل مسئله استفاده می کنند. علاوه بر این، به نظر می رسد که فرزندان آخر نگرش مثبت تری نسبت به تصمیم گیری مشارکتی دارند و پس از آن فرزندان میان زاده، اول زاده ها و تک فرزندان قرار دارند. از سویی دیگر نتایج اوکای^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، نشان داد که؛ ترتیب تولد تأثیر قابل توجهی بر سازگاری زناشویی در میان مردان و زنان متأهل ندارد. نتایج پژوهش ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، نشان داد رابطه جنسی، داشتن تحصیلات پایین، سابقه ازدواج قبلی و تجربه خیانت یکی از زوجین، از عوامل مؤثر در بروز تعارض و طلاق است و در نقطه مقابل، تحصیلات بالاتر، وابستگی درآمدی (درآمد پایین تر زوجه) و خانواده پرجمعیت پدری (ترتیب تولد بالاتر از ۴ برای یکی از زوجین) از مهم ترین دلایل رضایت و سازش زوجین در خانواده های مورد مطالعه است. همچنین مطالعه اطمینان (۱۳۹۶)، نشان داد بین ترتیب تولد و پیگر بندی در خانواده با پنج سبک اصلی زندگی (نیاز به تأیید، کنار آمدن، مسئولیت پذیری، محتاط بودن و تعلق) رابطه معناداری بدست آمد و از میان پنج سبک فرعی زندگی، تنها دو سبک زندگی مستحق بودن و سختگیرانه با ترتیب تولد و پیگر بندی خانوادگی رابطه معناداری داشتند. دیگر پژوهش ها حاکی از این است که ترتیب تولد می تواند بر تاکتیک های حل تعارض فرزندان تأثیر گذارد (بونیسولی^۳ و همکاران، ۲۰۱۱) و تاکتیک های حل تعارض بین خواهر برادران با تاکتیک های حل تعارض زناشویی مرتبط است (شالاش^۴، ۲۰۱۱). به علاوه شواهد پژوهشی نشان می دهد که ترتیب تولد فرزندان می تواند نحوه برخورد روابط زوج ها تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه قادری و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد، بین ترتیب تولد و رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد. بین ترتیب تولد زوج ها فرزند اول و آخر با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد؛ اما بین ترتیب تولد تک فرزند ها و فرزند میانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. مطالعه زندی (۱۳۹۳) نشان داد بین رضایت زناشویی و ترتیب تولد رابطه معناداری وجود ندارد. مطالعه وس و هایدن (۱۹۸۵) نشان داد، بین سازگاری زناشویی زوج ها و ترتیب تولد آنها رابطه معناداری وجود ندارد. مطالعه وینچ (۱۹۶۷) در زمینه اثر صفات شخصیتی بر موفقیت زندگی زناشویی نشان داد که ویژگی های شخصیتی با موقعیت های مختلف ترتیب تولد در ارتباط هستند و این هر دو این موارد می تواند بر سازگاری زناشویی تأثیر گذار باشد. به طور خلاصه به نظر می رسد، ترتیب تولد فرزندان نقش می تواند نقش عمده ای بر روابط خانوادگی و زناشویی آنان در بزرگ سالی داشته باشد؛ اما تأثیر این متغیر بر سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی به طور کامل برجسته نشده است؛ بنابراین با توجه به آنچه گفته شد

¹ Berisha

² Okoi

³ Bonisoli

⁴ Shalash



پژوهش حاضر بر آن است بدین سؤال پاسخ دهد که آیا تاکتیک‌های حل تعارضات زناشویی و سبک‌های فرزند پروری زوجها بر اساس ترتیب تولد آن‌ها با هم تفاوت دارد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره ی پژوهش های توصیفی (پس رویدادی یا علی- مقایسه ای) قرار دارد. در این نوع پژوهش، محقق با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می پردازد؛ به عبارت دیگر پژوهش علی- مقایسه ای گذشته نگر بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر به مقایسه سبک های فرزند پروری و تاکتیک های تعارض زناشویی (به عنوان متغیرهای وابسته) بر اساس ترتیب تولد (به عنوان متغیر مستقل) در زوج ها پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی شهر تهران می باشد که حداقل دو سال از مدت ازدواج آنها سپری شده باشد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران می باشد که به صورت در دسترس و از بین افراد داوطلب انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت. روش گردآوری اطلاعات به این صورت بود که پس از جلب رضایت زوج ها در پژوهش، ابتدا توضیحات کاملی در مورد نحوه تکمیل آزمون ها ارائه شد. سپس پرسشنامه تاکتیک های حل تعارض استراوس و همکاران (۲۰۰۷) و پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶) توسط آن‌ها تکمیل گردید و در نهایت بعد از جمع آوری اطلاعات، داده های حاصل مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶)

این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. جمله‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ مربوط به حیطة‌ی آزادگذارانه، جمله‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹ مربوط به حیطة‌ی استبدادی و جمله‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ مربوط به شیوه‌ی مقتدارانه است. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده، نظر خود را با علامت × بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید (صلیبی و همکاران، ۱۳۹۲). بوری (۱۹۹۱) برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نموده و نتایج آن بدین صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل‌گیر مادر رابطه معکوس ۰/۳۸، سبک آمرانه پدر با سبک سهل‌گیر پدر رابطه معکوس ۰/۵۰، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس ۰/۴۸، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس ۰/۵۲- داشت، در حالی که سبک اقتداری مادر با

1. Buri



سبک سهل گیر مادر ۰/۰۷ و سبک اقتداری پدر با سبک سهل گیر پدر ۰/۱۲ همبستگی مثبت غیرمعنادار داشتند. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک اقتداری مادر ۰/۷۸، برای سبک اقتداری پدر ۰/۹۲، برای سبک آمرانه مادر ۰/۸۶، برای سبک آمرانه پدر ۰/۸۵، برای سبک سهل گیر مادر ۰/۸۱ و برای سبک سهل گیر پدر ۰/۷۷ بدست آورده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفا کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمده که نمایانگر پایایی مناسب این ابزار می باشد.

پرسشنامه تاکتیک های حل تعارض استراوس و همکاران (۲۰۰۷)

این پرسشنامه شامل دو آزمون با ماده های تکرار شده است. نیمی از ماده ها در بردارنده توصیف اعمال پرخاشگر است (فرم پرخاشگر) و نیمی دیگر اقدامات همسر در قبال رفتار شخص پرخاشگر (فرم قربانی) را می سنجد و خشونت جسمانی و روان شناختی زوج ها علیه یکدیگر را در ۱۲ ماه گذشته را مورد سنجش قرار می دهد. پرسشنامه اصلی یک ابزار ۷۸ سوالی است و در بردارنده پنج مقیاس می باشد که عبارتند از: مذاکره (۶ ماده)، پرخاشگری روان شناختی (۸ ماده)، حمله جسمانی (۱۲ ماده)، اجبار جنسی (۷ ماده) و صدمه (۶ ماده) است. ولی پرسشنامه مورد تجدید نظر قرار گرفته توسط پناغی و همکاران (۱۳۹۰) دارای ۵۲ ماده و دارای سه مذاکره (۶ ماده)، خشونت روانی (۸ ماده) و حمله جسمانی (۱۲ ماده) است که در این تحقیق از آن استفاده شده است. در این پرسشنامه آزمودنی ها میزان توافق خود را در یک طیف ۷ درجه ای از «۰ = هرگز تا ۷ = بیش از ۲۰ بار در سال گذشته» مشخص می کنند. بدین ترتیب که به جواب هرگز نمره ۰، در سال گذشته نبوده ولی قبل از آن بوده ۱، یکبار در سال گذشته ۲، دو بار در سال گذشته ۳ و سه الی پنج بار در سال گذشته ۴، شش الی ۱۰ بار در سال گذشته ۵، یازده الی بیست بار در سال گذشته ۶ و بیش از ۲۰ بار در سال گذشته نمره ۷ داده می شود. مطالعات گوناگون شواهدی دال بر پایایی و روایی قابل قبول این آزمون در کشورها و فرهنگ های مختلف ارائه داده اند (از جمله استراوس و همکاران، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۷؛ مورس و رینکهام، ۲۰۰۲، نیوتن و همکاران، ۲۰۰۱) (به نقل از پناغی و همکاران، ۱۳۹۰). پایایی زیر مقیاس ها توسط استراوس و همکاران (۱۹۹۶) در نمونه ای از دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت، آن ها دریافتند که دامنه همسانی درونی از ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ در نوسان است. همچنین ۴۱ پژوهش دیگر همسانی درونی را بررسی کرده اند. در این مطالعات ضریب آلفا از ۰/۳۴ تا ۰/۹۴ با میانگین ۰/۷۷ متغیر بوده است (استراوس، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر مقدار آلفا کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمده که نمایانگر پایایی مناسب این ابزار می باشد. در بررسی ویژگی های روان سنجی این پرسشنامه همبستگی میان آن و سه مقیاس آزار جسمی و آسیب (استراس، ۲۰۰۴)، سوء استفاده و خشونت جسمی و سلطه گری در روابط عشقی به عنوان شاهدی بر روایی سازه و پیش بین آن گزارش شده است (محمد خانی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین ضریب آلفای کرونباخ پنج خرده مقیاس پرخاشگری روان شناختی، مذاکره، حمله جسمانی، اجبار جنسی و صدمه به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۹۵ گزارش شده است (استراوس و همکاران، به نقل از محمدی، ۱۳۸۹). در ایران ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس از ۰/۷۹ برای خرده مقیاس پرخاشگری روان شناختی تا ۰/۹۱ برای خرده مقیاس مذاکره گزارش شده است (محمد خانی و همکاران، ۱۳۸۹).



تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی از روش‌های آمار توصیفی فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و برای تحلیل داده‌های استنباطی برای همه سوال‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته های پژوهش

در این بخش، سیمای نمونه آماری تحقیق برحسب پاره ای ویژگی‌های زمینه ای مانند ترتیب تولد، مدت زمان ازدواج، تحصیلات و سن شرکت کنندگان در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. که شمای کلی این نتایج در جداول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ترتیب تولد، طول مدت ازدواج، تحصیلات و سن

درصد	فراوانی	ترتیب تولد	
۲۹/۳	۸۸	اول	
۲۶/۷	۸۰	دوم	
۲۶	۷۸	آخر	ترتیب تولد
۱۸	۵۴	سایر	
۱۰۰	۳۰۰	جمع کل	
۱۸	۲۷	سال ۲-۵	
۱۴	۲۱	سال ۶-۱۰	
۲۳	۳۵	سال ۱۱-۱۵	طول مدت ازدواج
۷/۷	۱۲	سال ۱۶-۲۰	
۳۷/۳	۵۵	بالای سال ۲۰	
۱۰۰	۱۵۰	جمع کل	
۶/۷	۲۰	زیر دیپلم	
۲۴/۷	۷۴	دیپلم	
۱۰	۳۰	فوق دیپلم	تحصیلات
۳۴/۷	۱۰۴	لیسانس	
۲۰/۷	۶۲	فوق لیسانس	
۳/۳	۱۰	دکترا	
۱۰۰	۳۰۰	جمع کل	
۱۱	۳۳	سال ۲۰-۳۰	
۳۶/۳	۱۰۹	سال ۳۱-۴۰	
۲۷	۸۱	سال ۴۱-۵۰	سن
۲۵/۷	۷۷	۵۱ به بالا	
۱۰۰	۳۰۰	کل	



در جدول (۴-۱) فراوانی و درصد شرکت کنندگان به تفکیک ترتیب تولد، ۲۹/۳ درصد (۸۸ نفر) فرزند اول، ۲۶/۷ درصد (۸۰ نفر) فرزند دوم، ۲۶ درصد (۷۸ نفر) فرزند آخر و ۱۸ درصد (۵۴ نفر) سایر فرزندان بودند. بر حسب مدت ازدواج، ۱۸ درصد (۲۷ نفر) بین ۲ تا ۵ سال، ۱۴ درصد (۲۱ زوج) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۳۵ درصد (۲۳ زوج) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۷/۷ درصد (۱۲ زوج) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۷/۳ درصد (۵۵ زوج) بیشتر از ۲۰ سال از ازدواجشان گذشته بود. بر حسب تحصیلات، ۶/۷ درصد (۲۰ نفر) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۴/۷ درصد (۷۴ نفر) دیپلم، ۱۰ درصد (۳۰ نفر) فوق دیپلم، ۳۴/۷ درصد (۱۰۴ نفر) لیسانس، ۲۰/۷ درصد (۶۲ نفر) فوق لیسانس، ۳/۳ درصد (۱۰ نفر) دکترا بودند. بر حسب سن ۱۱ درصد (۳۳ نفر) ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۶/۳ درصد (۱۰۹ نفر) ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۷ درصد (۸۱ نفر) ۴۱-۵۰ سال، ۲۵/۷ درصد (۷۷ نفر) ۵۱ به بالا سن داشتند.

در این بخش با محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی سعی بر آن شده است تا با نحوه‌ی توزیع و اطلاعات نهفته در متغیرهای این تحقیق می‌پردازد. که شمای کلی این نتایج در جدول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴-۵- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	زیر مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار
سبک‌های فرزندپروری	سهل‌گیرانه	۲۷/۷۳	۵/۲۲
	مقتدارانه	۴۰/۱۶	۶/۰۴
	مستبدانه	۲۲/۶۰	۵/۹۶
تاکتیک‌های حل تعارض (فرم پرخاشگر)	حمله	۱۴/۱۱	۵/۴۵
	مذاکره	۲۷/۷۰	۱۱
	خشونت روانی	۱۳/۳۲	۶/۶۹
تاکتیک‌های حل تعارض (فرم قربانی)	حمله	۱۴/۸۹	۷/۶۶
	مذاکره	۲۶/۳۳	۱۰/۴۳
	خشونت روانی	۱۳/۵۹	۷/۳۳

جدول (۴-۵) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را در نمونه مورد نظر نشان می‌دهند. بعد از توصیف متغیرها و پاسخ‌های به دست آمده از جامعه آماری در این بخش به بررسی سوالات مطرح شده و آزمون آماری مورد استفاده در پژوهش پرداخته شده است. به بیان دیگر در این فصل به تحلیل یافته‌های به دست آمده پرداخته می‌شود.



جدول ۴-۶- نتایج آزمون لوین به منظور بررسی همگنی واریانس های سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی روانی بر اساس ترتیب تولد

متغیر	نسبت F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۶/۶۵	۳	۲۹۶	۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۴/۷۸	۳	۲۹۶	۰/۰۰۳
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۱/۲۸	۳	۲۹۶	۰/۲۸
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	۲/۰۲	۳	۲۹۶	۰/۱۱
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	۳/۳۱	۳	۲۹۶	۰/۰۲
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	۲/۶۶	۳	۲۹۶	۰/۰۴
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	۳/۱۹	۳	۲۹۶	۰/۰۲
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	۲/۶۶	۳	۲۹۶	۰/۰۴
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	۳/۱۹	۳	۲۹۶	۰/۰۲

با توجه به نتایج جدول (۴-۶) مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری مقتدرانه محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار می باشد. از سویی مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری مستبدانه محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار می باشد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری سهل گیرانه محقق شده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار نمی باشد. از سویی دیگر مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک حمله (فرم قربانی) محقق شده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار نمی باشد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار می باشد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) و فرم پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار می باشد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی) و فرم پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح ($P < 0,05$) معنی دار می باشد. برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج در جدول (۴-۷) مشخص است.



جدول ۴-۷- نتایج آزمون نرمال بودن توزیع نمرات سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات

زناشویی

متغیر	Z	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۱۳	۰/۰۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۰۴	۰/۲۰
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۰۶	۰/۰۰۰۷
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	۰/۳۵	۰/۰۰۰۱
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	۰/۰۶	۰/۰۰۰۲
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	۰/۰۶	۰/۰۰۰۶
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	۰/۲۲	۰/۰۰۰۱
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۴-۷) مشاهده می شود که پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری مقتدرانه محقق نشده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار است. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری مستبدانه محقق شده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار نیست. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری سهل گیرانه محقق شده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار نیست. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعارضات زناشویی حمله (فرم قربانی و پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار است. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعارضات زناشویی مذاکره (فرم قربانی و پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار است. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعارضات زناشویی خشونت روانی (فرم قربانی و پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح ($P < 0,05$) معنی دار است.



جدول ۴-۸- نتایج تحلیل واریانس سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی بر اساس

ترتیب تولد

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	بین گروهی	۱۷۷/۴۷	۳	۵۹/۱۶	۱/۶۳	۰/۱۸
	درون گروهی	۱۰۷۳۴/۱۸	۲۹۶	۳۶/۲۶		
	کل	۱۰۹۱۱/۶۶	۲۹۹			
سبک فرزند پروری مستبدانه	بین گروهی	۱۹۰/۷۸	۳	۶۳/۵۹	۱/۸۰	۰/۱۴
	درون گروهی	۱۰۴۴۰/۸۰	۲۹۶	۳۵/۲۷		
	کل	۱۰۶۳۱/۵۸	۲۹۹			
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	بین گروهی	۱۹۳/۷۰	۳	۶۴/۵۶	۲/۳۹	۰/۰۶
	درون گروهی	۷۹۷۹/۴۳	۲۹۶	۲۶/۹۵		
	کل	۸۱۷۳/۱۳	۲۹۹			
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	بین گروهی	۱۷۵/۳۳	۳	۵۸/۴۴	۰/۹۹	۰/۳۹
	درون گروهی	۱۷۴۱۴/۰۳	۲۹۶	۵۸/۸۳		
	کل	۱۷۵۸۹/۳۷	۲۹۹			
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۱۲۹/۱۴۴	۳	۴۳/۰۴	۱/۴۵	۰/۲۲
	درون گروهی	۸۷۶۲/۲۲	۲۹۶	۲۹/۶۰		
	کل	۸۸۹۱/۳۷	۲۹۹			
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	بین گروهی	۶۳۸/۹۳	۳	۲۱۲/۹۷	۱/۹۷	۰/۱۱
	درون گروهی	۳۱۸۸۹/۳۹	۲۹۶	۱۰۷/۷۳		
	کل	۳۲۵۲۸/۳۳	۲۹۹			
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۴۸۵/۴۷	۳	۱۶۱/۸۲	۱/۳۴	۰/۲۶
	درون گروهی	۳۵۷۳۲/۷۱	۲۹۶	۱۲۰/۷۱		
	کل	۳۶۲۱۸/۱۸	۲۹۹			
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	بین گروهی	۲۸۰/۲۳	۳	۹۳/۴۱	۱/۷۴	۰/۱۵
	درون گروهی	۱۵۸۱۴/۱۴	۲۹۶	۵۳/۴۲		
	کل	۱۶۰۹۴/۳۸	۲۹۹			
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۳۶۵/۷۵	۳	۱۲۱/۹۱	۲/۷۷	۰/۰۴
	درون گروهی	۱۳۰۲۳/۸۸	۲۹۶	۴۴		
	کل	۱۳۳۸۹/۶۳	۲۹۹			

در جدول (۴-۸) با اجرای آزمون تحلیل واریانس، میانگین سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی بر حسب متغیر ترتیب تولد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری نشده است. بدین معنی که بین سبک های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه)، در زوج های با



ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین میانگین تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) بر حسب متغیر ترتیب تولد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین با اجرای آزمون تحلیل واریانس، میانگین تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر-قربانی) بر حسب متغیر ترتیب تولد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم قربانی نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در حالیکه ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم پرخاشگر شده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در سبک فرزند پروری مقتدرانه نشده است. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همسو بود و با پژوهش های السیابی و همکاران (۲۰۲۱)، ترسیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالوم (۲۰۱۴)، کلا و ژاک (۲۰۰۲)، سومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) که موید تاثیر ترتیب تولد بر ادراک از سبک های فرزند پروری والدین بودند، مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشین می توان به تفاوت های فرهنگی، تفاوت در ابزارهای استفاده شده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت، بامریند (۱۹۹۱) اظهار داشت والدین کودکان مقتدر با بیان آشکار آن چه از کودک انتظار می رود، به ایجاد توازن بین مهرورزی شدید، کنترل شدید و خواسته های فزاینده ای می پردازند. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش در امر تربیت کودکان، کنترل و گرمی زیادی دارند. شیوهی فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش باعث می شود فرزندان سرزنده، شاداب، دارای عزت نفس و خودکنترلی بالا باشند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری مقتدرانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در سبک فرزند پروری مستبدانه نشده است. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری مستبدانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همسو بود و با پژوهش های السیابی و همکاران (۲۰۲۱)، ترسیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالوم (۲۰۱۴)، کلا و ژاک (۲۰۰۲)، سومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) که موید تاثیر ترتیب تولد بر ادراک از سبک های فرزند پروری والدین بودند، مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشین می توان به تفاوت های فرهنگی، تفاوت در ابزارهای استفاده شده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشد. در تبیین این



یافته می توان گفت، در میان این سه الگو، الگوی استبدادی کمترین مهرورزی را اعمال می کند. به ویژه این والدین به ندرت در تعاملی که منجر به خشنودی کودک شود شرکت می جویند. والدین مستبد عموماً نسبت به تلاش های کودکان برای حمایت و توجه بی تفاوتند و به ندرت از تقویت مثبت استفاده می کنند. ابراز محبت در این الگو در پایین ترین سطح خود قرار دارد (بامریند، ۱۹۸۶؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۴). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری مستبدانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در سبک فرزند پروری سهل گیرانه نشده است. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همسو بود و با پژوهش های السیابی و همکاران (۲۰۲۱)، ترسیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالبوم (۲۰۱۴)، کلا و ژاک (۲۰۰۲)، سومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشین می توان به تفاوت های فرهنگی، تفاوت در ابزارهای استفاده شده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت، والدین سهل گیر در عین حالی که به ظاهر نسبت به کودکان خود حساس هستند، اما توقع چندانی از آن ها ندارند. فقدان خواسته های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک همواره از ویژگی های این شیوه به شمار می رود. این والدین به ندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح یا توضیحات ارائه می دهند. در عین حال والدین سهل گیر در توانایی های کنترل، والدین زورگو و سرکوبگر هستند. آن ها از روش های احساس گناه و انحراف استفاده می کنند. این والدین هم چنین در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه جویی و شکایت کودک، سر تسلیم فرود می آورند. والدین دارای الگوی سهل گیر کنترل کم و گرمی زیادی نسبت به کودکان اعمال می کنند (کميجانی و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری سهل گیرانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همسو بود و با پژوهش های بریشا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیسلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، تاکتیک حل تعارضات زناشویی حمله فیزیکی به استفاده از خشونت فیزیکی برای مدیریت تعارض ها اشاره دارد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). مارگولین و برمن (۱۹۹۳) خشونت را نتیجه تعامل زوج در نظام زناشویی یا نتیجه رفتارهای شخصی همسر متجاوز قلمداد کرده اند. آنها بر این باورند که نگرش های نارسا نقش قابل توجهی در شکل گیری و تداوم خشونت زناشویی ایفا میکند و میتواند در قالب نقص مهارت های ارتباطی در بحث و جدلها یا تعارض های زوج

1. Margolin, G., & Burman



درگیر خشونت جلوه گر شود. همزمان این همراهی برای وقوع رفتارنا سالم در رابطه زناشویی، خطر افزوده ای ایجاد می کند (جان^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض حمله نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همسو بود و با پژوهش های بریشا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیسلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، افرادی که از این سبک استفاده می کنند این افراد در نقطه میانه پرخاشگری و مشارکت قرار دارند و با این عبارات شناخته می شوند "تو هم باید به سهم خودت قانع باشی"، "یا هنگامی که اختلاف نظر وجود دارد، هر دو باید بخشی از ضرر را متحمل شوید و سهم خود را بپردازید" (ویلموت و هوکر، ۱۹۹۸؛ به نقل از اولسون، ۲۰۰۱). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض مذاکره نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم قربانی نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در حالیکه ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم پرخاشگر شده است، بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود دارد. بخش اول نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همسو بود و بخش دوم آن با پژوهش های بریشا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیسلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، خشونت روانی به صورت رفتار انتقاد ناروا، تحقیر، تمسخر، توهین، فحاشی و متلک اشاره دارد (خسروی پور، ۱۳۸۹)؛ که بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض خشونت روانی نیز نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، ترتیب تولد تاثیر معناداری بر سبک های فرزندپروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همسو بود و با پژوهش های بریشا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیسلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. با توجه این که پژوهش حاضر در کشور شاید جزء اولین تحقیقاتی باشد که به بررسی تاثیر ترتیب تولد در سبک های فرزندپروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی پرداخته باشد، در سطح نظری، توانسته است به نوعی به این خلاء پژوهشی پاسخ دهد. هرچند که برای رسیدن

1. Jun



به نتایج قطعی تر به پژوهش های بیشتری با در نظر گرفتن عوامل مداخله گر و با استفاده از ابزارهای مختلف در این حیطه نیاز است.

منابع

- اطمینان، کافی، سید موسی. (۱۳۹۶). رابطه ترتیب تولد خانوادگی دانشجویان با سبک زندگی آن ها. مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۲(۹)، ۲۷-۱۶.
- ایمانزاده، وحیده، محب، نعیمه، عبدی، & هنرمند عظیمی. (۲۰۲۱). شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ارائه مدلی برای پیش بینی طلاق با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم. فصل نامه پژوهش های کاربردی روانشناختی، ۱۲(۲).
- برک، لورا. ای. (۲۰۰۸). روان شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی. (۱۴۰۰). تهران: انتشارات ارسباران.
- پناغی، لیلی و همکاران (۱۳۹۰). بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدید نظر شده تاکتیک های حل تعارض. فصلنامه خانواده پژوهی، ۲۵، ۱۰۳ - ۱۱۷.
- خسروی پور، الناز. (۱۳۸۹). عوامل خطرساز خشونت زناشویی در مردان و زنان متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- دریای لعل، ازیتا، عباسی، لیلی، ابراهیمی مقدم، ندا. (۱۳۹۸). مقایسه سبک های فرزند پروری ادراک شده و ترتیب تولد در افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی و افراد عادی. نشریه علمی رویش روان شناسی، ۸(۵)، ۱۲۲-۱۱۳.
- دولتی، علیرضا. (۱۳۹۰). شیوه های فرزند پروری والدین. پیوند، ۳۷۹، ۶۱-۶۳.
- زندى، نسیم. (۱۳۹۳). نقش پیش بینی کننده ی ترتیب تولد و ویژگی های شخصیتی بر رضایت زناشویی زنان متأهل شهرستان بروجرد. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.
- سهبانی، محمد سعید؛ سهبانی، سارا. (۱۴۰۰). کتاب ویژگی های شخصیت افراد بر اساس ترتیب تولد. انتشارات آزمون یار پویا: تهران.
- شولتز، داون، شولتز، سیدنی ال.ن. (۲۰۰۵). نظریه های شخصیت. ترجمه: محمدی، سید یحیی (۱۴۰۰). تهران: نشر ویرایش.
- صلیبی، ژاسنت، احمدی، عارفه السادات. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه های فرزندپروری و کمالگرایی مادران با سازگاری عاطفی و اجتماعی دانش آموزان دختر سال دوم دبیرستان. پژوهشنامه زنان، ۴(۱)، ۱۳۹-۱۶۲.
- قادری، کبری، سیمی، زهرا، مخلوق، محسن، قلی پور، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ترتیب تولد با رضایتمندی زناشویی و عزت نفس همسران. اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه. بصورت الکترونیکی، شرکت طلای سبز، انجمن پایش.
- کمیحانی، مهرناز، ماهر، فرهاد. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه های فرزندپروری والدین نوجوان با اختلالات سلوک نوجوانان عادی، دانش و تحقیق در روان شناسی. ۳۳، ۹۴-۶۳.



گلسر، ویلیام؛ گلسر کرین. (۲۰۰۰). ازدواج بدون شکست (حل معمای ازدواج با تئوری انتخاب). ترجمه: علی صاحبی (۱۴۰۰). تهران: سایه سخن.

محمدخانی، پروانه، آزادمهر، هدیه و متقی، شکوفه. (۱۳۸۹). رابطه خشونت جنسی و نگرشهای زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۳، ۲۰۲ - ۱۹۵.

ملکی، قیصر، رضی، پوریا، بهادر، مرتضی، شکوری، حجت، امامی، احمدعلی. (۱۳۹۳). تاکتیک های حل تعارض در زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱، ۸۲-۹۱.

نعیم، مهدی؛ رضایی شریف، علی؛ علیقلی زاده مقدم، سحر. (۱۳۹۷). رابطه پرخاشگری و ترتیب تولد در کارکنان نیروی انتظامی. *فصلنامه علمی - پژوهشی طب انتظامی* دوره ۷، شماره ۳، ۱۲۲-۱۱۷.

Abdul Gafor, K. & Kurukkan, A. (2014). Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Online Submission*, 2(4), 315-323.

Alsyaibi A., Aldhafri S., Alsiddiq F., (2021). "Parenting Styles: A comparative study between Omani and Saudi female students". *Journal of Educational Sciences*. Issue 17.

Anyanwu JI, Obiyo NO, Ugwuanyi LT, Adikwu V, Ubah JC, Obata MI, Otu MS. Age and Birth Order as Factors for Parental Stress of Children with Autism and Coping strategies. *International Journal of Applied Engineering Research*. 2018; 13(21):15299-309.

Berisha, G., Krasniqi, B., & Lajçi, R. (2021). Birth order revelations about managers. *Management Research Review*.

Bonisoli-Alquati, A. Boncoraglio, G., Caprioli, M., & Saino, N. (2011). Birth order, individual sex and sex of competitors determine the outcome of conflict among siblings over parental care. *Proceedings of the Royal Society of London B: Biological Sciences*, 278(1709), 1273-1279.

Buri, J.R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*. 57,110-119.

Calvete, E., Corral, S., & Estévez, A. (2007). Factor structure and validity of the Revised Conflict Tactics Scales for Spanish women. *Violence against women*, 13(10), 1072-1087.

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.

Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among mothers and children*. Dissertation, University of Maryland.

Hallers-Haalboom, E. T., Mesman, J., Marlaen, Groenavald, M. G., Endandijk, J. J., van Berkel, S. R., van der Pol, L. D., & Bakermans-Kranenburg, M. J. (2014). Mothers, fathers, sons, and daughters: Parental sensitivity in families with two children. *Journal of Family Psychology*, 28(2), 138-147

Jun, H. J., Rich-Edward, J. W., Boynton-Jarrett, R. Wright, R. J. (2008). Intimate partner violence



cigarette smoking: Association between smoking and psychological abuse with and without co-occurrence of physical and sexual abuse. *American Journal of Public Health*, 98, 527-535.

Keller, H. & Zach, U. (2002). Gender and birth order as determinants of parental behavior. *International Journal of Behavioral Development*, 26(2), 177-184.

Nilüfer, G. (2016). *the relationship between birth order, perceived parenting styles, and early maladaptive schemas*. THE DEGREE OF MASTER OF SCIENCE.

Okoi, J. E. (2020). BIRTH ORDER AND MARITAL ADJUSTMENT AMONG MARRIED COUPLES IN RIVERS STATE, NIGERIA. *Journal of Education in Developing Areas*, 27(1), 66-75.

Olson, H., Defrain, J (2001). *Marriages and Families (Intimacy, Diversity and Strengths)*, (4th ed). Kenethking, New York.

Rohrer, J. M., Egloff, B., & Schmukle, S. C. (2015). Examining the effects of birth order on personality. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(46), 14224-14229.

Rubin RM, Hubbard JA. Children's verbalizations and cheating behavior during game playing: The role of sociometric status, aggression, and gender. *J Abnorm Child Psychol*. 2003;31(1):65-78.

Shalash, F. (2011). *Sibling Conflict Resolution Styles and Marital Conflict Resolution Styles*. University of Kentucky Master's Theses.

Someya, T., Uehara, T., Kadowaki, M., Tang, S. W., & Takahashi, S. (2000). Effects of gender difference and birth order on perceived parenting styles, measured by the EMBU scale, in Japanese two-sibling subjects. *Psychiatry and clinical neurosciences*, 54(1), 77-81.

Sputa, C. L., & Paulson, S. E. (1995). Birth order and family size: Influences on adolescents' achievement and related parenting behaviors. *Psychological Reports*, 76(1), 43-51.

Sruthy, R., & Naachimuthu, K. P. (2017). Family relationships and general well-being of adolescents and young adults. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 8 (7) 674-679.

Theresya, J., Latifah, M., & Hernawati, N. (2018). The Effect of Parenting Style, Self-Efficacy, and Self Regulated Learning on Adolescents' Academic Achievement. *Journal of Child Development Studies*, 3(1), 28-43.

Tyagi, Pooja (2017). To assess the relation between parenting style of parents and birth order in personality of adolescents. *Internat. J. Appl. Home Sci.*, 4 (7 & 8) : 513-518.

Van Volkom, M., Dirmeitis, D., & Cappitelli, S. (2019). An Investigation of the Connection between Parenting Styles, Birth Order, Personality, and Sibling Relationships. *Journal of Psychology and Behavioral Science*, (7), 55-63.

Vos, C. J. V., & Hayden, D. J. (1985). Birth-Order Complementarity and Marital Adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 723-727.



Winch, R. F. (1967). Another look at the theory of complementary needs in mate selection. *Journal of Marriage and the Family*, 29(4), 756-762.

Zrour, C., Naja, W., Chahoud, M., Halabi, A., Badaoui, A., & Haddad, R. (2021). Parenting Styles and Psychiatric Profile of Parents of Adult Substance Use Disorder Patients: Cross-sectional Study. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 1-16.



Comparison of parenting styles and marital conflict tactics based on the couple's birth order

Zoleykha Javadi Sarikhanbegloo¹, Alireza Boostanipoor^{2*}

Abstract

This study aims to determine differences of parenting styles and tactics of marital conflicts, based on birth order of couples. The population of this casual-comprative research, include all the couples referred to counseling centers in Tehran. Sampling conducted from volunteers. Baumrind Parenting styles (1966) and conflict resolution tactics questionnaire of Strauss et al. (2007) performed. Data gathered analyzed by ANOVA. The results show that birth order causes no significant changes in authoritative parenting, authoritarian and permissive styles. This means that there is no difference between authoritative parenting styles, authoritarian and permissive couples with various birth order. The results showed that birth order make no significant changes in tactics of attack and negotiation (aggressive-victim form). This means that there is no difference between attack and negotiating tactics (aggressive-sacrifice form), in couples with different birth order. Finally, the results showed that there is no difference in couples with different birth order, in adopting the tactic of negotiation (victim form), While birth order in the sample caused a significant change in the aggressive form. This means that there are differences in couples with different birth order, in adopting negotiations between other tactics (aggressive form).

Keywords: styles of parenting, marital conflict tactics, birth order.

¹Master of Counseling and Guidance, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran (javadi.f60@gmail.com)

² Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tehran Branch (Corresponding Author)